

## رنگهای گوناگون

\* رنگ چیست ؟

\* سیصد هزار رنگ

\* آثار رنگها

\* قرآن کریم و رنگها

\* راهنمائیهای علی علیه السلام

\* \* \*

منظره دلکش درختان سبز و روح بخشی گل‌های رنگارنگ و زیبایی پرندگان خوش خط و خال و دلفریبی پارچه‌های الوان و گرانبهای جواهرات گوناگون و ... همه اینها وابسته برنگهای جالب و فریبائی است که موجودات خود را با آنها آراسته و صورتگری نموده‌اند !!

رنگها بهترین زینت و آرایشی است که بمنظور جلب خاطر انسانها، گل و بلبل، کوه و دشت؛ زمین و آسمان، و بالاخره سراسر جهان خود را با این پیرایه‌ها ساخته و تزیین نموده‌اند، و دل و دیده‌ها را رابوده و همه را اسیر خویش نموده‌اند.

آری اگر همین رنگهای دل‌باو زیبا نبودند، قافله انسانها تا این اندازه فریفته این کاروانسرا نگردیده و دل‌داده این خاکدان نمیشدند.

رنگ چیست؟

امروز ثابت شده است که اجسام از خود رنگی ندارند! و رنگها چیزی جز

نور نیستند.

توضیح اینکه نور خورشید مثلاً که مرکب از هفت رنگ: قرمز، نارنجی، زرد، سبز، آبی، نیلی و بنفش میباشد وقتی با اجسام میتابد در اثر خاصیتهای گوناگونی که در اجسام موجود است گاهی تمام آن نور منکس شده و بر میگردد و این حالت رنگ سفید را تشکیل میدهد و گاهی بعضی از آنها بر میگردد و بقیه در جسم بایگانی میشود، از اینجا هم رنگهای مختلف قرمز، نارنجی، سبز و... پیدا میشود، و اگر هیچیک از رنگها منکس نگردد رنگ سیاه حاصل میشود.

### سیمصد هزار رنگ!

از اینجا بدست آمد که حالات گوناگون جسم در تجزیه نور مؤثر است و همین حالات هستند که رنگهای دلپذیر را توسط نور پدید میآورند.

بعضی از دانشمندان شماره رنگهای گیاهان را به سیمصد هزار (۳۰۰.۰۰۰) رسانیده اند (۱)

### آثار رنگها

رنگهادرای آثار روانی و جسمانی شگفت انگیزی میباشد. رنگ سبز در انسان ایجاد بهجت و سرور مینماید!

رنگ غباری موجب گرفتگی و ناراحتی روحی میباشد.

رنگ زرد دستگاه عصبی را بحال نشاط در میآورد!

رنگ کبود موجب احساس سرما میشود!

رنگ سرخ سبب احساس گرما میگردد.

صاحب یکی از کارخانههای رنگ سازی آزمایشی نمود و اطاق زنان کارگر را رنگ کبود خنثی زد، طولی نکشید که از طرف زنها شکایت از مرطوب بودن و سردی اطاق آغاز گردید! و ناچار شدند لباسهای سنگین و کلفت را بپوشند! در حالیکه حرارت اطاق آنها کنترل شده بود و با سابق هیچ فرق نداشت. در لندن پلی است بنام « بلاک فرایار » که مرکز انتشار و خود کشی شده بود و افراد زیادی در آنجا انتشار کرده بودند.

طبق آزمایشی که انجام شد رنگ غباری تیره آنرا برنگ سبز تبدیل نمودند

و نتیجه فراوانی گرفته شد زیرا انتحارها بثلث تقلیل یافت .

و از نظر اسلام پسندیده است که رنگهای پوشاک و لباس را بدین ترتیب انتخاب نمایند: رنگ سفید که بهترین رنگهاست، سپس زرد و پس از آن رنگ سبز، و بعد از آن سرخ کم رنگ و کبود و عدسی .  
و انتخاب رنگهای سیاه و سرخ تیره ناپسند است .

### قرآن کریم و رنگها

قرآن کریم در چند مورد از راه اختلاف رنگها توجه ما را با فریدگار رنگهای بدیع و پدید آورنده این همه پیرایه‌های دلپذیر و اسباب زینت ، جلب مینماید ، و از این رهگذر هم که موضوعی ذوقی و احساساتی است درس کاملی از توحید و خداشناسی بمامیآموزد .

درسوره روم میفرماید : و من آیاته خلق السموات والارض و اختلاف السننکم والوانکم ، ان فی ذلک لآیات للعالمین (آیه ۲۲)  
یعنی : و از نشانه‌های (وجود) خدا آفرینش آسمانها و زمین و تفاوت لغات و زبان‌ها و اختلاف رنگهایشان میباشد و در این چهار موضوع ، یا در خصوص اختلاف رنگها نشانه‌هایی برای دانشمندان موجود است .

درسوره فاطر میفرماید: الم تر ان الله انزل من السماء ماء فاخرجنا به ثمرات مختلفاً الوانها و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف الوانها و غرابیب سود و من الناس والدواب والانعام مختلف الوانہ كذلك انما یخشی الله من عباده العلماء ان الله عزیز غفور .  
(۲۸-۲۹)

یعنی مگر ملاحظه نمیکنی که خداوند از آسمان آب را فرو فرستاد آنکاه بوسیله آن میوه‌های رنگارنگ را از زمین بیرون آوردیم و همینطور کوهها دارای قسمتهای سفید و سرخ و سیاه میباشد و نیز انسان و جنبنده‌ها و چهارپایان الوان گوناگون و رنگهای مختلفی را دارا هستند و فقط دانشمندان (آن کسانی که بر موزجهان آفرینش و از جمله رنگها ، پی برده‌اند) هستند که بطور شایسته از مقام بزرگ خداوند بیم و هراس دارند .

پیشوای نخستین علی علیه السلام نیز در بعضی از راهنماییهای توحیدی از همین راه رهنمائی فرموده است .

در یکجا نسبت برنگ آمیزی پرندگان میفرماید : و نسقها علی اختلافها فی الاصبغ بلطف قدرته و دقیق صنعته ، فمنها مغموس فی قالب لون لایشو به غیر لون ما غمس فیه ؛ و منها مغموس فی لون صبغ قد طوق بخلاف ماصبغ به (۱) یعنی و پرندگان را بقدرت لطیف و صنعت دقیق خود در رنگهای مختلفی مرتب نمود بطوریکه بعضی از آنها را در قالب یک رنگ ریخته و بعض دیگر را در رنگی فرو برده که با طوقی (زیبا) از رنگ دیگر همراه است . و درباره شگفت انگیزترین مرغان (طاووس) میفرماید : استخوان پره‌های آن را (در شفافی و سفیدی) میلهائی از نقره پنداری ۱ و آنچه بر آن بالها روئیده است ، در زردی طلای خالص و در سبزرنگی تکه‌های زبرجد را تصور نمائی ۱

و اگر بال آن را با آنچه زمین رویانیده است تشبیه کنی ، خواهی گفت : دسته گلی است که از شکوفه‌های بهاری چیده شده است ۱۱ ،  
و اگر آنرا ببوشیدنیها مانند سازی (خواهی گفت) چون حله‌هایی است که نقش و نگار در آن بکار برده اند ۱ یا مانند جامه‌های خوش رنگ و زیبای بافت یمن است ۱ .

و اگر آنرا بزبورها شبیه گردانی (خواهی گفت) : همانند نکیتهای رنگ برنگ است که در میان نقره‌ای که بجواهر زینت شده نسب گردیده است ۱  
و در پشت گردنش کا کل سبزی است نقاشی شده و جای فرورفتگی گردنش تا زیر شکم همچون وسمهٔ یمنی است (که بسیار سبز است) یا همچون پارچهٔ حریری است که بر آینه‌ای صیقلی شده و شفاف افکنده باشند ۱ .

و گویا (طاووس) خود را بجادرسیاهی پیچیده ولی از شدت شادابی و براقی گمان میشود که رنگ سبز نیکوئی بآن آمیخته شده است .  
بشکاف گوش خطی است که در باریکی بسر قلم مانند در رنگ بگل با بونه

— که بسیار سفید است — شبیه است او در عین حال چون خط سفیدی است که در میان سیاهی میدرخشد .

و کمتر رنگی است که طاووس بهر ای از آن نبرده باشد او اذا تصفحت شعرة من شعرات قصبه ارتك حمرة وردية وتارة خضرة زبرجدية؛ واحياناً صفرة عسجدية .

و اگر مومی از موهای استخوان بالش را بنگری گاهی سرخ گلرنگ در برابرت مجسم کند ، و گاهی سبز زمردین و زبرجدین را بتو نشان دهد ؛ و گاهی زرد طلائی رنگ را بتو بنمایاند .

با این وصف کدام فهم عمیق میتواند آن را توصیف کند ؟ یا کدام قریحه سرشار عقول است که بتواند بر موز آن برسد ؟  
و کدام سخنور توانا است که بتواند اوصاف آنرا در قالب الفاظ تنظیم کند ؟

فببحان الذی بهر العقول عن وصف خلق جلاه للعیون فادر کته محدوداً مکوناً مؤلفاً و ناواعجز الالسن عن تلخیص صفتها و قعد بها عن تادیة نعتها :

پس منزله آن خداوند گاری که تمام عقول را از توصیف مخلوقی که در برابر چشمها قرارش داده و فهمیده اند موجودی محدود و ترکیبی رنگ آمیزی شده بیش نیست عاجز ساخته است و زبانها را از اینکه مختصری از اوصاف آنرا بیان کنند ناتوان و زبون نموده است .

مرا بر سر گردون رهبری نیست جز این کاین نظم دائم سرسری نیست از آن چرخه که گرداندن پذیر قیاس چرخ گردنده همی گیر

### مصونیت از رسوائی

علی علیه السلام فرماید : من قبل النصیحة سلم من

النصیحة

د کسیکه اندرز و نصیحت را بپذیرد از رسوائی سالم

میراند .

(گفتار فلسفی - جوان ج ۱)